

# شمارش معکوس برای حمله به سوریه؟

تقی روزبه



محکوم کردن قاطع استفاده از گارشیمیائی توسط هرطرف و از جمله دولت اسد، مخالفت با جنگ افروزی و مداخله نظامی توسط قدرت های بزرگ، انتشار اطلاعات مربوط به تصمیمات پشت پرده قدرت های بزرگ و اهداف و مطامع آن ها، تقویت یک جنبش صلح نیرومند جهانی و منطقه ای برای مقابله با گسترش جنگ و خشونت و از جمله علیه مستبدین حاکم، علیه دامن زدن نفرت مذهبی و قومی، مقابله با بنیادگرایی و بن لادنیسم و سلفی گری و حامیان پشت پرده آن ها از جمله اقداماتی است که در برابر نیروهای آزادی خواه برابری طلب، ضد استبداد و ضد امپریالیستی و مدافع صلح قرار دارد.

همه قرائن و گزارش ها و سخنان مقامات آمریکائی و انگلیسی و فرانسوی حکایت گر حمله قریب الوقوع ائتلاف سه گانه به سوریه است. سی ان ان حتی زمان حمله را روز پنجشنبه اعلام داشته است. همه در انتظار فرمان رسمی او باما هستند. تدارک این حمله در شرایطی صورت می گیرد که:

الف- تصمیم به حمله توسط قدرت های بزرگ و اساسا توسط سه دولت غربی به رهبری آمریکا با دور زدن سازمان ملل و سازوکارهای رسمی و قانونی حاکم بر مناسبات فی مابین کشورهای جهان صورت می گیرد. آن ها به نام جامعه جهانی و اجماع نسبی فی مابین خود نسبت به نقض کنوانسیون منع سلاح شیمیائی توسط یکی از دولت های مورد منازعه و نامطلوب برای آن ها به تصمیم و داوری یک جانبه خود مشروعیت قائل هستند.

ب- آن ها حتی خود را بی نیاز از رعایت تشریفات رسمی و قانونی و اعلام نتایج رسمی بازرسان سازمان ملل از محل وقوع جنایت و کم و کیف ماوقع دانسته و عزم خود برای حمله را اعلام داشته اند. این که آن ها به خود اجازه می دهند که یک جا نقش قاضی و دادستان را به عهده داشته باشند، بازتاب دهنده این حقیقت است که آن ها هم چنان خود را ارباب و پدرخوانده جهان می دانند. در واقع آش بی اعتنائی به این نهادها و سازوکارهای موجود چنان شور شده است که بانکی مون

دبیرکل سازمان و یا نماینده ویژه سازمان ملل درمورد سوریه، نسبت به دورزدن سازمان ملل ابرازنگرانی کرده و خواهان فرصت دادن به دیپلماسی دربرابرگزینه جنگ و نیز روشن شدن نتایج بازرسی شد اند. با توجه به چنین شرایطی است که دولت انگلیس ازسوی متحدین خود با عجله و دردقایق پایانی برای موجه جلوه دادن تهاجم نظامی اقدام به ارائه یک قطعنامه به سازمان ملل باهدف بازکردن راه حمله نظامی کرده است .

ج- آن ها مدعی اند که تردیدی دراستفاده از سلاح شیمیائی توسط دولت اسد ندارند، با این همه هنوز حاضرنشده اند که پیش از حمله اطلاعات و اسنادمورد ادعای خود را به اطلاع افکارعمومی و حتی نهادهای رسمی جهانی برسانند. شاید درنزدآن ها قراراست جهانیان ۶۰ سال دیگر از آن چه که درپشت پرده این تصمیم این روزها می گذرد مطلع بشوند! و اگرکسی هم چون اسنودها و ویکی لیکس هم گوشه های را افشاء کند تحت شدیدترین فشارها و تنبیه ها قرارمی گیرند. و همه این ها درشرایطی است که جهان هنوزهم خاطره حمله به عراق را با ادعاهای مشابهی که بعدا نادرستی اشان اثبات شد، فراموش نکرده است.

د- سیاست یک بام و دوهوا: تقارن زمانی انتشاراسناد سازمان سیا مبنی برآگاهی دولت آمریکا از قصد صدام در استفاده از گازشیمیائی و حمایت دولت آمریکا از صدام درآن زمان، با ادعاهای کنونی این دولت ها که گویا لشکرکشی آن ها قربت الی اله بوده و به خاطرعذاب وجدان ناشی از استفاده از گازشیمیائی است، پرده از ماهیت قسم حضرت عباس و اهداف واقعی این دولت ها برمی دارد. اگر این قدرت ها برآستی این سان وجدانشان از بکارگیری سلاح های کشتارجمعی ( شیمیائی) برانگیخته شده است، آن ها چگونه قادرند فلسفه ایجاد زرداخانه های عظیم و مملو ازانواع گازهای شیمیائی را توجیه ومدلل کنند؟ برآستی این زرداخانه و هزینه هائی که صرف نگهداری و گسترش آن ها می شود برای چیست و آن ها با چنین وجدان حساسی شب ها چگونه آسوده می خوابند؟!

ه- تدارک یک حمله تازه در شرایطی صورت می گیرد که منطقه خاورمیانه به شدت دستخوش امواج بی قرارو هردم فزاینده بحران است. نه فقط خطر جنگ داخلی در مصر و تونس وجود دارد و جنگ های داخلی درسوریه و یمن و عراق و افغانستان و پاکستان با خشن ترین و ناانسانی ترین وجهی شراره می کشد و دولت آمریکا هنوز از کابوس لشکرکشی های قبلی خود رهائی نیافته است، و نه فقط بن لادنسم علیرغم هلهه و ادعای دولت آمریکا با دفن بن لادن در قعدریا پایان

نیافت\*، بلکه باچهره ای خشن ترو ابعادی پردامنه تر اشاعه هم یافته است. آن ها اکنون رسماً یک پای مهم جنگ و بحران داخلی در عراق و سوریه و یمن و دیگر جنگ های جاری در آفریقا هستند. آن ها حتی مدعی اند که دارای سلاح شیمیائی بوده و مناطق شیعه نشین سوریه را تهدید به استفاده از این سلاح ها کرده اند.

جنگ در سوریه فقط صبقه و خصلت محلی فرقه ای و قومی و مذهبی نداشته بلکه هم چنین دارای وجه منطقه ای و جهانی مهمی هم هست که بدون مداخله و حمایت آن ها از طرف های گوناگون امکان گسترش آن تا این حد و اندازه وجود نداشت. شمار زیادی از جنگ جویان از خارج و مناطق اطراف وارد سوریه شده اند و از خارج و از جمله عربستان تغذیه می شوند. بدیهی است که بدون توافق جناح های ذینع راه خروجی از آن متصور نیست.

و- این که حمله به سوریه با چه هدف مشخص و با چه ابعادی صورت گیرد هنوز بدرستی مشخص نیست و آن چه هم در پشت پرده مشخص شده، در اختیار افکار عمومی قرار نگرفته است. ظاهراً هدف اولیه با توجه به عوامل مجهول و ناشناخته در منطقه و پی آمدهای غیر قابل پیش بینی، درگام نخست حمله ضربتی و کوتاه مدت و تنبیهی در مدنظر است و هنوز سیاست بازدارندگی کامل و نابودی زرداخانه و یا سرنگونی رژیم اسد در دستور این حمله قرار نگرفته است. غرض فرود ضرباتی به پاره ای از تأسیسات و تسلیحات اسد است. گرچه واکنش های متقابل زنجیره ای و فعال شدن عوامل پیش بینی نشده می تواند به سرعت هدف را تا نابودی و ازکار انداختن تسلیحات سنگین و ایجاد منطقه پرواز ممنوع گسترش دهد (همانطور که در لیبی چنین شد). آن چه که مسلم است هیچ کس نمی تواند پی آمدها و دامنه زنجیروار کنش و واکنش را با قطعیت ارزیابی کند. در اصل مدت ها است که حمله به سوریه در دستور کار این قدرت هاست، اما آن چه که موجب تعویق و نه کنار نهادن آن شده است اوضاع مبهم داخلی سوریه و کشمکش گروه های اپوزیسیون و معارض اسد و پی آمدهای ناشناخته مترتب بر آن است. با همه تلاش دولت های غربی برای شکل دادن و تقویت یک اپوزیسیون متحد و قابل قبول به عنوان جانشین اسد، یعنی آن چنان نیروئی که با اتکاء به آن ها به توان منطقه پرواز ممنوع ایجاد کرد و بر پایه آن پیش رفت، تاکنون ناموفق بوده است. استفاده مجدد از سلاح شیمیائی بار دیگر آن پروژه و از جمله شکل دادن به یک اپوزیسیون وفادار و منسجم را در دستور کار عاجل این قدرت ها قرار داده است.

ز- حمله ددمنشانه و ضد بشری اسد و استفاده وی از گاز شیمیائی اگر

رسمًا قطعیت پیدا کنند، در حکم تیر خلاص به خود است، که در پی تحرک جدید اپوزیسیون و قدرت های بزرگ برای ایجاد منطقه آزاد و حائل در دمشق صورت گرفت.

ح- در عین حال حمله به سوریه به عنوان گامی مهم در راستای فلج کردن و از کار انداختن عمق استراتژیک جمهوری اسلامی و تضعیف حزب اله در منطقه صورت می گیرد. گامی که مورد حمایت دولت اسرائیل نیز هست. با این همه گرجه دولت ایران و شخص خامنه ای جنگ با سوریه را فاجعه و با عواقب زیان بار برای جنگ افروزان خوانده است، اما قدرت های حمله کننده، می دانند که در شرایط کنونی جمهوری اسلامی توان مداخله مستقیم و گسترده را نداشته و دیگر متحدان و حامیان سوریه بویژه روسیه هم به واکنش های سیاسی بسنده کرده و در توازن قوای کنونی خود را عملاً درگیر جنگ نخواهند کرد.

با این همه دولت آمریکا همانطور که برژینسکی گفته است فاقد استراتژی روشن و درازمدتی است که این اقدام بخش معنا دار و مشخصی از آن بشمار رود. در حقیقت اقدام آن ها در منطقه بیشتر واکنشی است و با سودای تثبیت موقعیت و اقتدار خود بر منطقه صورت می گیرد. دولت اوباما که با شعار پایان دادن به جنگ عراق و افغانستان و کنترل تبعات آن لشکرکشی ها روی کار آمد و جایزه صلح نوبل را هم با همین ژست و ادعاهای خود ربود، اکنون در روندی متعارض با آن ادعاها و ژست های خود و در همان موقعیت وسوسه انگیز اسلاف خود والبته تحت فشار بخش های دیگری از طبقه سیاسی حاکم و متحدین خود برای حمله قرار گرفته است. نگرانی وی آن است که نتواند هم چون لیبی عمل کرده و به موقع پای خود را از مهلکه بیرون بکشد.

محکوم کردن قاطع استفاده از گارشیمیائی توسط هر طرف و از جمله دولت اسد، مخالفت با جنگ افروزی و مداخله نظامی توسط قدرت های بزرگ، انتشار اطلاعات مربوط به تصمیمات پشت پرده قدرت های بزرگ و اهداف و مطامع آن ها، تقویت یک جنبش صلح نیرومند جهانی و منطقه ای برای مقابله با گسترش جنگ و خشونت و از جمله علیه مستبدین حاکم، علیه دامن زدن نفرت مذهبی و قومی، مقابله با بنیادگرائی و بن لادن‌یسم و سلفی گری و حامیان پشت پرده آن ها از جمله اقداماتی است که در برابر نیروهای آزادی خواه برابری طلب، ضد استبداد و ضد امپریالیستی و مدافع صلح قرار دارد.

